

درس خارج اصول استاد مهدی گنجی

۹۶/۱۲/۱۴

بسم الله الرحمن الرحيم

« فهرست دروس

محتویات

۱ معانی حرفیه

۱.۱ تتمه ای از مسلک تضییق

۱.۲ خلاصه بیان مسالک:

۱.۳ مختار استاد

موضوع: بیان مختار استاد در معانی حرفیه / معانی حرفیه / مقدمات علم اصول

خلاصه مباحث گذشته:

در جلسه قبل بیان شد که شهید صدر میفرماید بعضی از حروف برای تحلیلالات ذهنیه وضع شده است و بعضی از حروف برای نسبت های خارجی وضع شده است که استاد فرمود این ادعا خلاف ارتکاز است.

۱ معانی حرفیه

۱.۱ تتمه ای از مسلک تضییق

مسالکی که در معنای حرفی بود تمام شد یک تتمه ی از مسلک تضییق باقی مانده است. مرحوم خوبی فرمود که چهارامرباعث شده است که ما مسلک تضییق را قائل بشویم:

۱. بطلان سائر اقوال: این فرمایش نادرست است اینکه سائر اقوال باطل باشد باعث حق بودن مسلک تضییق نمیشود زیرا حصر معانی حرفیه عقلی نیست که در صورت بطلان سائر مسالک این مسلک حق باشد.

حوزه علمیه قم

مسجد اعظم

قم

مدرسه فیضیه

مدرسه خان

مدرسه آیت الله گلپایگانی

سایر مدارس

فقه معاصر

تفسیر و نهج البلاغه

رجال

دروس به زبان عربی

مباحث مستحدثه حکومتی

سرفصل های 1401 - 1400

پرونده علمی

فهرست مسائل

موضوع درس اساتید

حوزه علمیه نجف

نجف

حرم امیرالمؤمنین (ع)

مساجد

حوزه علمیه مشهد

مدرسه آیت الله خویی

سایر مدارس مشهد

تفسیر و نهج البلاغه

سایر حوزه ها

شهرستانها

کربلا

بیروت

دمشق

داکار (آفریقا-سنگال)

قطیف و احساء

کابل

سایر موضوع ها

کلام و فلسفه

طب در روایات

بزرگان معاصر

تقریر عربی درس ها

راهنما

تقریر نویسی

مشکلات

ثبت نام پخش زنده

ثبت نام

ویرایش اطلاعات

نرم افزار پخش زنده-رایانه

نرم افزار پخش زنده-اندروید

سایت های مرتبط

کتابخانه مدرسه فقهات

ویکی فقه

ویکی پرسش

۲. نقطه نقض برای این مسلک وجود ندارد و عمومیت دارد بر خلاف سائر مسالک و همه مفاهیم قابل تضییق هستند چه وجود داشته باشند یا نداشته باشند. این مطلب نیز درست نیست زیرا اولاً این مورد نیز در بطن مورد اول است و ثانیاً نقضی که بر حاج شیخ میکرد درست نبود

۳. ما حقیقت وضع را تعهد میدانیم و طبق این مبنا باید معنای حرف تضییق باشد. ما نفهمیدیم که چه ربطی بین تعهد و تضییق وجود دارد؟ هر مبنایی که در وضع باشد میتواند یکی از این مسالک را مترتب کرد. مثلاً حاج شیخ میتواند بگوید بنا بر مسلک تعهد، متکلمین متعهد میشوند که روابط را با حروف بیان کنند.

۴. تضییق مطابق ارتکاز است. ایشان فرمود که در وجدان و ارتکاز میبایم که وقتی حروف استعمال میشود برای تضییق مفاهیم استعمال میشوند. ما گفتیم که ارتکاز این مطلب نیست و در همه جا این گونه نیست که در آینده بیشتر توضیح داده میشود.

۱.۲ خلاصه بیان مسالک:

۱. مسلک اخوند: اتحاد ماهوی بین معنای حرفی و اسمی و تفاوت در لحاظ. که بعد از مرحوم اخوند این مسلک را مطرود شمردند. زیرا اولاً وجدان بر خلاف آن است و ما در وجدان اختلاف ماهوی بین معانی اسمیه و حرفیه میبایم. و ثانیاً باید ترادف بین معانی حرفیه و اسمیه وجود داشته باشند. که نگفتنی است.

۲. مسلک نائینی: اختلاف ماهوی بین معنای اسمی و حرفی وجود دارد و معانی اسمیه برای اخطار معانی وضع شده اند ولی حروف برای معانی ایجاد و ربط بین کلمات است. اشکالی که وجود داشت این بود اینکه این گونه اختلاف خلاف ارتکاز است و علاوه بر این اول باید حرف معنای اسمی را تغییر داده باشد بعد اختلاف بین معنای اسمی و حرفی وجود داشته باشد نه اینکه حرف تازه بیاید معنا ایجاد بکند و اصلاً شأن الفاظ ابراز است نه اینکه ایجاد باشد و حتی حروف حکایت از معنایی دارند که متکلم در ذهن احضار کرده است و روایتی که در معنای حرفی وارد شده بود همان تعبیر «ما دل» درست است

۳. مسلک حاج شیخ اصفهانی: ایشان قائل به اختلاف ماهوی بین معانی اسمیه و حرفی است و مرحوم خویی این مسلک را این گونه توضیح داد به

اینکه حروف برای وجود ربطی وضع شده اند در حالی که ما گفتیم مرحوم حاج شیخ نمیخواهد بگوید حروف برای وجود ربطی وضع شده است بلکه میخواهد بگوید که برای واقع نسبت وضع شده است و فقط تشبیه به وجود ربطی شده بود.

۴. مسلک مرحوم خوئی: ایشان قائل به تضییق است و در عین حال تغایر ماهوی بین معانی حروف و اسامی وجود دارد که بحثش گذشت.

۵. شهید صدر: بعضی از حروف برای ربط ذهنی وضع شده اند و بعضی هم برای نسبت تحلیلیه وضع شده است و در عین حال بین معانی حرفی و اسمی فرق ماهوی وجود دارد. و ما گفتیم که نسبت تحلیلیه را نمیتوانیم بفهمیم و تحلیلی در کار نیست.

۳.۱ مختار استاد

معنای اسمی با معنای حرفی تغایر ذاتی دارند و اسماء برای معانی مستقلة وضع شده اند ولی حروف برای معانی غیر مستقلة وضع شده اند. و ما به ان معنای اندکاکای به مفاهیم اسمی اشاره میکنیم و اینکه در ادبیات برای بعضی از حروف چند معنا ذکر کرده اند از باب اشتباه مصادیق است مثلاً «من» به معنای «از» است که گاهی منطبق بر ابتدائیت و گاهی برای تبعیض و غیره میشود نه اینکه معنای «از» ابتدائیت و غیره باشد. پس معنای حرفی معنای اندکاکای است و «از» یک معنا دارد «در» یک معنا دارد و «برای» یک معنا دارد ولی همه غیر مستقل است مانند اسامی که رجل یک معنا دارد و خانه یک معنا دیگری دارد ولی همه مستقل هستند و مصحح استعمال «از» همان ابتدائیت و تبعیض و غیره است نه اینکه معنای حرفی این موارد باشد. عرض ما این است که اینکه بعضی گفته اند حروف معنا ندارد منشا ان همین مطلب است که دیدند نمیتواند ابتدائیت و غیره معنای ان باشد فلذا گفته اند که حرف معنا ندارد در حالی که انها مصحح استعمال هستند و از طرفی معنای حرفیه بعضی اوقات سبب ربط میشود و گاهی اوقات سبب تضییق میشود و گاهی برای عطف است ولی به معنای هیچ کدام از انها نیست یا اینکه در بعضی موارد نسبت وجود دارد ولی برای تاکید حرف میاوریم و معنای حرف را با معنای حرفی تاکید میکنیم و در اینجا نه برای ربط است و نه برای تضییق است.

پس حروف برای تضییق و امثال ان وضع نشده است و لو اینکه بعضی اوقات تضییق به وجود میاید و واضع حروف را برای معنای اندکاکی و آلی وضع شده است که مثلا معنای «من» همان «از» است که باید در کلام بیاید تا معنای مستقلی بیاید و اگر معنای ابتدائیت میدهد به دال دیگری است.



www.baharsound.ir, www.wikifeqh.ir, lib.eshia.ir